

فطر

گاهنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی
سال دوم، شماره چهارم،
اردیبهشت ۱۳۹۸، تیراژ: ۱۰۰ نسخه
بها: ذکر «اللهم عجل لولیک الفرج»



آغازگر سرسبزها

معبود بی مثال زندگانی ام!

سلام...

ابتدای هر آغازی و انتهای هر پایانی به نام توست.
ساده بگویم، هستی هر شکوفه ای و بودن هر پرنده
ای به بند بند عرشت بسته شده...

آسمان را می نوازی و قلب های سرگشته را به هم
گره میزنی...

گره میزنی تاروپود زندگیمان را...

آرام و از پی هم...

معبود بی بدیل روزهایم

آموخته ام نفسی بی یادت نکشم، لحظه ای بدون
آرامش خاطرت قدمی از قدم بردارم...

آری..

حال که قلمی برای نوشتن بر میداریم را با نام
مقدسست مزین می کنیم؛ تا بنوازی دل هایمان را و

جرات بخشی قدم هایمان را...

باشد که به سبب عزمتم آرامشی حواله دل

هایمان شود!

محدثه میمندی



گاهنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی فطرس

صاحب امتیاز: زهره فاطمی مطلق

مدیر مسئول: زهره فاطمی مطلق

سردبیر: معصومه شفیعی

هیئت تحریریه:

زهره فاطمی مطلق، اسماتابان اصل،

امیرحسین محسن زاده، هانیه اکبری،

فرزانه محسنی مقدم، فاطمه بهرادمهر،

محدثه میمندی، عالیه نگهداری، طاهره

طالبی، فاطمه میرزایی، فاطمه کورکی نژاد،

مریم عباسی

طراح گرافیک: کریم عامری

باتشکر از سرکارخانم زینب هوشمندی

راه ارتباطی با ما: @ fotros_sums

سرمقاله/۲

مرگ خوبه ولی برای همسایه/۴

یک سکانس مستند/۵

رونق تولید ملی/۶

تدبیر فراموش شده/۸

مادر بین الطلوعین ظهوریم/۱۰

لایسم فوبیا/۱۲

لاتی که لوتی شد/۱۳

سیری در ادبیات/۱۴

مهمانی خدا/۱۵

به وقت کتاب/۱۶

سال دوم، شماره چهارم، اردیبهشت ۱۳۹۸

سرمقاله

زهرا فاطمی مطلق

سیلی که بعد

اوایل فروردین همزمان با رویش فصل بهار سیلی ویرانگر چندین استان کشور را درگیر بلای طبیعی نمود و خسارات مادی فراوانی بر جای گذاشت. اگر چه این حادثه خسران فراوانی داشته اما برکاتی فراوان تر داشته است. در نگاه اول اگر خسارات جانی

نبود که متأسفانه برخی هموطنان جان خود را از دست دادند، باید دانست که هزینه سیل به مراتب کمتر از هزینه خشکسالی می باشد. قرار بر این بود که به جهت جبران خشکسالی ۲ میلیارد دلار صرف شیرین کردن آب دریا نمایند حال اگر ۱ میلیارد دلار آن را صرف

جبران خسارات سیل کنند باز ۱ میلیارد دلار دیگر صرفه جویی می شود. سیلی که باعث بروز روحیه جهادی روحانیون و نظامیانی شده که به گفته برخی از مردم آن مناطق تا قبل از سیل دچار بدبینی به آنها بوده اند. مردم منطقه و سایر نقاط دیگر وقتی از خود گذشتگی و روحیه

انقلابی جهادگران را در یاری هموطنان مشاهده کردند، گویی سیل به یکباره ۴۰ سال تبلیغ دروغ علیه روحیه انقلابی را به یکباره برد و آبرویشان را شست. آنجایی که طلبه جوان یا بسیجی نوجوان به همراه سپاهی و ارتشی جهادی تا زانودر گل ولای در حال کمک رسانی بودند دیگر بی

مضی را با خود ببرد!

این حضور را نفهمیدند که اینان پشتوانه استراتژیک انقلاب اسلامی اند. این سیل اگر خانه هموطنان عزیز را برد ولی ابروی نداشته رسانه های بیگانه که ۴۰ سال در صدد نفرت پراکنی و تنفر مردم از انقلابیون بودند و نیز آبروی عمده های داخلی را یکجا شست و برد.

واقعی ایران را در صحنه عمل می دیدند از روی عقده و کینه دست به دامان شایعات شدند و در حرکتی داعش گونه فتوای جعلی جهاد نکاح به جهت تخریب برادران حزب اله حشدالشعبی ساختند و نشر دادند، هر چند که به اذن الله زود رسوا شدند، ولی آنقدر احمق بودند که معنی

ماشین آلات و نیروهای انسانی متحدان ایران اسلامی از حشدالشعبی و فاطمیون افغانستانی و پاکستانی را در یاری به سیل زدگان دیدند، همانهایی که زمانی به دروغ شعار نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران سرمی دادند و الان در دالان مبلی خود نشسته اند و جان فدائیان

بی سی و آمدنیوز و من و تو... نای سم پاشی نداشتند و باور مردم را به اخلاص فرزندان خود به یقین تبدیل کردند. شاید به همین علت بود که در روزهای نخست فریاد برخی بلند بود که کجایند دوستان ایران در عراق و لبنان و سوریه و... که پولمان خرجشان شد. اما وقتی سیل عظیم



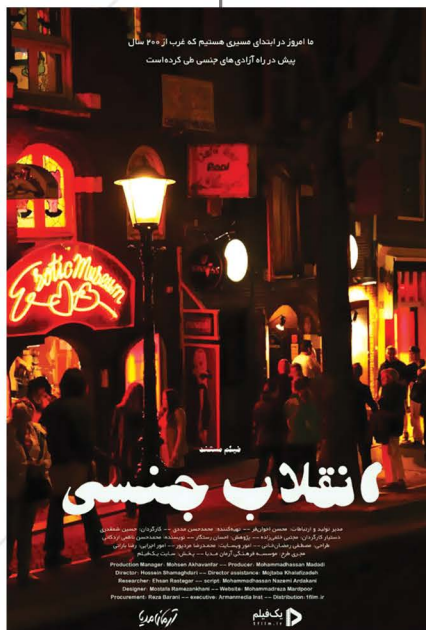
ولی برای همسایه... هانیه اکبری

چند سالی میشه که به وضوح میشه فهمید سیاست‌های آمریکا و بادمجان دورقاب چیناش حول محور این ضرب المثل، در حال اجراست مثلاً آزادی بیان چیز خیلی خوبیه و همه ی کشورها باید تابعش باشند و هر جایی هر کشوری هر شهروندی قصد اعتراض علیه قوانین و سیاست‌های این کشور رو داشته باشه شاخکای دایه‌های مهربان تر از مادر سیاستمدارها و خبرنگارهای آمریکایی فعال میشه و فریاد وامصیبتا سر می‌دهد که

آه و واویلا حقوق بشر نقض شد و به داد مردم برسید اما موقع دستگیری مرضیه هاشمی ای که علیه سیاست‌ها و اقدامات آمریکا قصد اعتراض و افشای اطلاعات داره آزادی بیان کیلو چنده یا حتی تو موارد پیش پا افتاده تروبی خطرتر، مثلاً همین اقدامات اخیر مالک جاسوس افزار اینستاگرام؛ آزادی بیان که هیچ حتی آزادی عکس پروفایل هم وجود نداره و کافی عکسی با محتوای سپاه پست گذاشته باشیم یا حتی

عکس پروفایلت آرم سپاه باشه طی عملیات مخوف و فوق العاده سری و بی نقص تروریستی شناسی و مبارزه با تروریستشون پیجتوشناسایی می‌کنند و در کسری از ثانیه چنان پرونده‌ها قطور تروریستی برات تشکیل می‌دهند که بیا ببین که دیگه هیچ جواری نتونی پیجتو برگردونی حالا برگرداندن پیج انحام شده هیچ حتی نمیتونی پیج جدید بسازی و آی پی گوشه‌ای به عنوان یک گوشه‌ای تروریست ثبت شده و همه اینها به جرم حمایت

و حب نسبت به نیروی نظامی کشورت اتفاق می‌افته نیروی نظامی که لحظه به لحظه نفس کشیدن تو مدیون از خودگذشتگی‌شان هستی البته ناگفته نماند که این سیاست کمی هم برمیکرده به ادبیات ضعیف و ارتباط نه چندان خوب سیاستمدارهای آمریکایی با معنی کلماتی همچون آزادی بیان و حقوق بشر و تروریست و... خلاصه که آزادی بیان و حقوق بشر و... خوبه ولی برای بقیه کشورها...



گفتگو با فاطمه میرزایی

گذری به انقلاب جنسی

مستند «انقلاب جنسی» به کارگردانی حسین شمقدری مانند آثار پیشین وی شوک بزرگی در حوزه مستند سازی است. در واقع جریان مستندسازی نسل جدید فیلمسازان انقلابی با ساخت آثاری نظیر «انقلاب جنسی» در برابر اداره پراز نقصان اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی کشور در سال‌های اخیر، شوریده‌اند. در آثار شمقدری «انقلاب جنسی» نوعی نظم آنارشیستی، نوعی پراکندگی منظم وجود دارد که ساختار آثارش را از سایر هم‌تایان مستندسازش در حوزه‌های اجتماعی، متمایز می‌کند. شورشیان شورش را

در آورده‌اند؟! شمقدری در آثارش، هر چه مسئله را بحرانی‌تر طرح می‌کند، صورت مسئله اثرش، شیرین‌تر می‌شود. او در مستند «انقلاب جنسی» با اینکه سراغ سوژه به شدت ملتهبی رفته که ممکن است، با واکنش عمومی نسبت به «مسئله اثرش» مواجه شود، فرم را انتخاب کرده است و با هوشمندی خاص و ظرافتی دقیق، از تلویزیونی شدن پرهیز کرده است. دست فرمان مولف نه سانتیمانتالی است، نه میتدل و تلویزیونی. شوریدگی توصیف شده در سطور پیشین، موجب شده

مولف حوصله مخاطب را سرنبرد و قلب واقعیت‌های موجود در جامعه را به نمایش بکشد. در آثار شمقدری، میراث آلبرتا، ۳۳ سال سکوت و البته «انقلاب جنسی» نوعی نظم آنارشیستی، نوعی پراکندگی منظم وجود دارد که ساختار آثارش را از سایر هم‌تایان مستندسازش در حوزه‌های اجتماعی، متمایز می‌کند. کمونیسم جنسی چیست؟ هدف اصلی و افق مستند انقلاب جنسی، تطبیق و مقایسه فضای اجتماعی غرب و فضای اجتماعی ایران کنونی است. آنچه که در فضای اجتماعی امروز ایران رایج است، عینیت یافتن

فضای اجتماعی - اسلامی واقعی نیست، مناسبات اجتماعی امروزی که موجب محدودیت جنسی جامعه جوان ایرانی می‌شود، تقلبی و عرفی است، نه شرقی است نه غرب زده. به هیچ مدلی شبیه نیست و از دل مناسبات اجتماعی خودساخته در اثر خودباختگی جمعی به کمونیسم جنسی رسیده‌ایم. فاصله اجتماعی - اسلامی آرمانی، هیچ نسبتی ندارد. در واقع بستر روابط جنسی در فضای اجتماعی کنونی مبتنی بر نوعی «کمونیسم جنسی» است و فرهنگ مهاجم مبتنی بر لیبرالیسم جنسی.



رونق قدرت تولید ملی از دیدگاه اقتصادشناسان

فاطمه بهرام‌مهر

نام‌گذاری سال ۱۳۹۸ به نام حمایت از تولید ملی توسط مقام معظم رهبری نشان از این دارد که عرصه‌ی اقتصادی ضرورت و اولویت اصلی می‌باشد با مروری بر سند چشم‌انداز دیگر کشورهای در می‌یابیم که باید دستیابی به قدرت اول اقتصادی همراه با علم و فن آوری در سطح کشورهای منطقه‌ی آسیای جنوب غربی ملاک اقدامات و سیاست‌گذاری‌ها قرار گیرد بنابراین با توجه به گسترش و تأکید مکرر غرب بر تحریم‌های اقتصادی و محوریت چشم

انداز نظام بر تحقق قدرت اول اقتصادی در منطقه، دلیل و ضرورت تأکیدهای مکرر رهبری بر پیشرفت اقتصادی کشور آشکار می‌شود شاید تنها راه‌هایی کشور از این همه هجمه‌ی بیرونی، اتخاذ رویکرد جهادگونه‌ی اقتصادی باشد که اولین گام این حرکت جهادگونه از طریق رونق تولیدات ملی و تکیه بر سرمایه‌های ایرانی میسر می‌شود. اقتصاد ایران بدلیل بیماری هلندی و اتکای به درآمدهای نفتی از یک سو و گسترش فعالیت‌های غیرمولد و

اقتصاد پنهان از طرف دیگر سال‌هاست که با مشکلات فراوانی دست به‌گریبان است و اقتصادی مولد، پویا و سالم ندارد. عدم هدایت صحیح درآمدهای ارزی نفت به فعالیت‌های مولد اقتصادی و تخصیص غیربینه‌ی این درآمدها موجب کمبود نقدینگی برای توسعه‌ی بخش‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری شده است. هم‌چنین ریسک پایین به همراه سودآوری بالا در فعالیت‌های غیرمولد منجر به گسترش

سوداگری در اقتصاد ایران و کاهش انگیزه‌ی تولید و سرمایه‌گذاری مولد شده است در نتیجه سوداگری و دلال‌بازی رواج می‌یابد که خود دارای پیامدها و عوارض منفی متعددی است که هر از گاهی با تورم شتابنده‌ی برخی بازارها نظیر مسکن، ارز و طلا بروز پیدا می‌کند. از این‌رو طی دهه‌های گذشته، این دو عامل موجبات رکود تدریجی در اقتصاد ایران بوده و تجویز سیاست‌های پولی و مالی نادرست موجب افزایش دامنه‌ی تأثیرات منفی آن‌ها شده است. با توجه به



مطالب عنوان شده، حمایت از تولید و کار و سرمایه‌های ایرانی می‌تواند به رفع مشکلات کلیدی اقتصاد ایران کمک قابل توجهی کند. بدین منظور به نظر راهکارهای زیر می‌توانند برای رونق تولید ملی راهگشا باشند:

راهکارهای ایجابی:

۱. بهبود فضای کسب و کار و سرمایه‌گذاری در کشور؛
۲. اجرای دقیق و کامل سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی؛
۳. برطرف نمودن پدیده‌ی دیوان‌سالاری پیچیده‌ی فرا

روی سرمایه‌گذاری و تولید؛

۴. هدایت و تخصیص منابع بانکی و تأمین نقدینگی لازم برای فعالیتهای مولد اقتصادی؛
۵. ارزش نهادن به کار و تلاش و فرهنگ‌سازی در این خصوص؛
۶. اصلاح مدیریت کلان اقتصادی و تجاری در کشور؛
۷. گسترش مناسبات و پیوندهای منطقه‌ای و حضور فعال در بازارهای جهانی با هدف توسعه‌ی مبادلات اقتصادی و تجاری؛
۸. حمایت از نوسازی و تجهیز بنگاه‌های تولیدی به

دانش فنی روز با هدف ارتقای بهره‌وری و رقابت پذیری؛

۹. توسعه‌ی بسترهای تحقق اقتصاد دانایی محور؛
۱۰. هدایت برنامه‌ریزی شده درآمدهای ارزی نفت به سمت سرمایه‌گذاری‌های مولد پایدار؛
۱۱. مدیریت کلان در ایجاد زنجیره‌ی ارتباطی بین بنگاه‌های کوچک و متوسط با بنگاه‌های بزرگ ملی جهت نظام‌مند و هدفمند نمودن تولیدهای بنگاه‌های تولیدی کوچک و متوسط؛
۱۲. بسترسازی برای تأمین امنیت اقتصادی با تکیه بر

حفظ حقوق مالکیت معنوی و تسریع در امر رسیدگی به جرایم اقتصادی.

۱۳. کاهش ریسک و مطمئن نبودن فعالیت‌های مولد اقتصادی؛
۱۴. افزایش ریسک فعالیت‌های غیر مولد اقتصادی؛
۱۵. شناسایی گلوگاه‌های سوداگری در اقتصاد ایران و برنامه‌ریزی مدیرانه
۱۶. شناسایی، مقابله و ریشه‌کنی مفاسد اقتصادی
۱۷. مبارزه‌ی جدی با قاچاق کالا و افزایش جرایم متخلفان .



امیرحسین محسن زاده

«من هفده هجده سال قبل به دولتی که در آن زمان سرکار بود و به مسئولان گفتم کاری کنید که ما هر وقت اراده کردیم، بتوانیم در چاه‌های نفت را ببندیم. آقایان به قول خودشان "تکنوکرات" لبخند انکار زدند که مگر می‌شود؟!» [۱]

سه دهه از نخستین تذکرها و راهنمایی‌های رهبر معظم انقلاب درباره اقتصاد نفتی می‌گذرد. تدبیری هوشمندانه که عملی نشدنش بعد از این سالها، همچنان در فضای بین الملل بهانه به دست دشمنان این مرز و بوم می‌دهد. با جدی‌تر شدن برخی فشارها و توطئه‌های دشمنان در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، اکنون فرصت مناسبی است تا بار دیگر به ریشه‌یابی و مرور دغدغه‌های آیت‌الله خامنه‌ای درباره‌ی مسأله‌ای به نام «اقتصاد منهای نفت» پرداخته شود.

* دهه ۶۰: یک احتمال

خرداد ماه سال ۱۳۶۸، روزهای آغازین رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، هشدارهای آینده‌نگرانه و درخواست از

مسئولین:

«من برخلاف بعضی از تحلیل‌ها، احتمال می‌دهم که دشمن برای این‌که مردم را از ادامه‌ی این راه و این حضور مایوس و پشیمان کند، حتی مشکلات جدید اقتصادی را بر ما تحمیل نماید. هیچ بعید نیست مشکلاتی را برای فروش نفت، تهیه‌ی مواد اولیه و کالاهای ضروری به وجود آورد، تا فشار را بر مردم زیاد کند. دولت و مجلس و مسئولان باید دست به دست هم دهند و بهترین راه‌ها و موفق‌ترین شیوه‌ها را جستجو کنند، تا مشکلات اقتصادی مردم کم شود.» [۲]

این هشدار و اعلام خطر را می‌توان یکی از اولین طرح بحث‌های جدی رهبر انقلاب درباره‌ی ضرورت کاهش وابستگی اقتصاد کشور به فروش نفت دانست.

* دهه ۷۰: ریشه‌یابی یک آرزو

رهبر انقلاب در ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۷۳ از بستن چاه‌های نفت و شکل‌گیری اقتصاد کشور براساس تولیدات

غیرنفتی به عنوان «آرزوی واقعی» خود نام برده و همگان را به تلاش در مسیر تحقق این مهم فراخواندند:

«آرزوی واقعی من - که البته ممکن است به این زودی‌ها قابل تحقق نباشد - این است که ما در چاه‌های نفت را ببندیم و اقتصاد خود را براساس کالاها و محصولات غیرنفتی بنیاد نهیم. یعنی فرض کنیم این کشور، کالایی به نام نفت ندارد.» [۳]

تلاش جهت تحقق اقتصاد منهای نفت و اتکای اقتصاد کشور به تولیدات غیرنفتی، از زاویه‌ی کاهش وابستگی کشور به بیگانگان قابل ریشه‌یابی است.

* در مذمت وابستگی

با دقت در بیانات رهبری می‌توان توجه به عواقب نامطلوب وابستگی به نفت را در دو حوزه‌ی اصلی «اقتصاد سیاسی نفت» و «بنیان‌های اقتصاد ملی» مشاهده نمود.

به عنوان مثال ایشان با اشاره به موضوعاتی همچون تعیین سیاست‌های کلان و قیمت‌گذاری نفت توسط بیگانگان [۴] [۵] [۶]، نامکن

بودن بهره‌برداری از اهرم نفت در معادلات بین‌المللی [۷]، ترویج فرهنگ مصرفی غلط غربی و عدم استفاده از درآمد نفت برای ساخت زیربناها [۸] [۹] و همچنین دورشدن از پیشرفت در علم و صنعت به دلیل استفاده صرف از ثروت فروش نفت در کشور [۱۰]، ضمن تأکید بر «استقلال اقتصادی کشور» پایان یافتن جنگ تحمیلی را فرصتی مناسب برای برنامه‌ریزی و اقدام دولت در جهت کاهش وابستگی به نفت دانسته و خواستار حرکت مردم و مسئولان در این مسیر می‌شوند.

* دهه ۸۰ و ۹۰: رویکردهای نوین و جایگزین‌های مطمئن با آغاز دهه‌ی ۸۰ آیت‌الله خامنه‌ای پیشنهادات جدیدی برای خارج شدن اقتصاد ایران از شرایط وابستگی نفتی مطرح کردند: ۱. تلاش برای تولید ثروت از دانش و حرکت به سوی اقتصاد دانش‌بنیان

«آن روزی که ما بتوانیم درآمد کشور را از راه دانش‌مان به دست بیاوریم و در چاه‌های



رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۶۸/۳/۲۴ [۳] - بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان ۱۳۷۳/۲/۱۳ [۴] - بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی ۱۳۷۵/۱/۴ [۵] - بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۷/۱۰/۴ [۶] - بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۷۸/۱/۱ [۷] - بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۷۷/۱/۱ [۸] - بیانات در مراسم بیعت اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۴/۱۹ [۹] - بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۷۷/۱/۱ [۱۰] - بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۷۰/۹/۱۳ [۱۱] - بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی ۱۳۸۷/۶/۵ [۱۲] - بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۸۴/۵/۲۴ [۱۳] - بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۱۳۹۰/۱/۱

روشن بوده و علاوه بر تأکید حداکثری رهبری نظام بر روی آن از سوی نخبگان و جامعه‌ی علمی و مدیریتی کشور نیز پذیرفته شده است. در این دوره زمانی با تلاش های ایالات متحده برای به صفر رساندن صادرات نفت ایران، بیش از هر زمان دیگری حرکت به سمت استقلال از نفت احساس می شود. با اینکه در این سالها و در شدیدترین تحریم ها، صادرات نفت خام کشور کاهش چشمگیری نداشته و عملاً مقدار صادرات نفت را (با دور زدن تحریم ها) خودمان تعیین می کرده ایم اما تأثیر روانی فشارهای خارجی بر اقتصاد کشور و همچنین دلایل دیگری که یادآوری شد، ایجاب می کند این مهم در اولویت دولتمردان باشد. آرزویی که امروز در قالب عملیاتی و اجرایی اقتصاد مقاومتی، قابل دستیابی است.

[۱] - بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۲/۱/۱ [۲] - بیانات در مراسم بیعت

جایگزین نفت داشته باشیم و آن، انرژی هسته ای است. آن ها می گویند نه، نداشته باشید؛ همان نفتتان را مصرف کنید تا تمام شود.» [۱۲]

۳. تأکید بر صادرات غیرنفتی «بودجه‌ی کشور ما متأسفانه از ده‌ها سال پیش به این طرف، وابسته‌ی به نفت است. این روش را همه‌ی اقتصاددان های دلسوز رد می کنند؛ این روش در کشور ما عادت شده است. نفت را استخراج کنند، بفروشند، از پول آن کشور را اداره کنند؛ این شیوه‌ی غلطی است... افزایش صادرات غیرنفتی موجب می شود که ما به این هدف [بی نیازی به نفت] نزدیک شویم.» [۱۳]

* جمع بندی آن چه که در بالا به آن اشاره رفت مروری خلاصه بود بر تبیین و تحلیل ریشه‌ها و پیامدهای اقتصاد نفتی و راهکارهای رسیدن ایران به اقتصاد منهای نفت در بیانات و دستورات رهبر معظم انقلاب اسلامی. مسیر و چارچوب کلی مقابله با این مشکل دیرینه کاملاً

نفت را پلمپ کنیم، آن روز برای ما روز خوبی است. امروز ما داریم از ذخایرمان می خوریم. بیشتر بودجه‌ی کشور از نفت است. نفت ذخیره‌ی ماست. گنجینه‌مان را داریم تخلیه می کنیم؛ از روی ناچاری. باید روزی برسد که این ملت بتواند از دانش خود ثروت تولید کند. آن وقت خود آن ثروت به پیشرفت دانش کمک خواهد کرد.» [۱۱]

یکی از مهم ترین دلایل ایستادگی ایشان بر روی مسأله‌ی انرژی هسته‌ای و تأکید دائمی به ضرورت استفاده از این فناوری از زاویه انرژی های جایگزین و بی نیازی به نفت، قابل فهم است:

۲. تلاش در جهت جایگزین کردن نفت با انرژی هسته‌ای «ما می خواهیم منابع تجدیدناپذیرمان برای نسل های دیگر بماند. این طور نباشد که بیست سال دیگر، بیست و پنج سال دیگر، این کشور نفت نداشته باشد؛ مجبور باشیم نفت خود را از آمریکا یا از عوامل آمریکا بخریم. ما می خواهیم



مادر پیمان‌الط

سر از گریبان که بیرون
بیاوری ...
کمی از بالاتر به جهان نگاه
کنی
حوادث سلسله وار یک
موضوع را پیگیری کرده اند...
هرچند در ظاهر ربطی به هم
نداشته باشند....
صدای پایش را میشنوی؟
آری صدای آمدنش می آید
...
او وعده صادق خداوند
است ...
به دور و برت خوب دقت

کن...
همه چیز شبیه یک پازل
میمونه...
آخرین قطعه ها داره جور
میشه مگه نه؟؟؟
گیج شدی؟
بزار کمی به عقب برگردیم...
روزگاری بود که خدا برای
برگردوندن بنده اش به راهی
که می پسندید کسایی رو
انتخاب کرد...
اونا رو پیش مردم فرستاد...
مدتی نگذشت که زیاده
خواهی های انسان باعث

طغیانشون شد...
مردم فرستاده های خدا رو
یکی بعد از دیگری سرکوب
کردن و از بین بردن تا اینکه
خداوند آخرین فرستاده
خودش رو از چشم مردم
پنهان کرد و اون رو نگه
داشت و ذخیره کرد و وعده
آمدنش رو داد تا اااا...
تا کی؟ تا وقتی که مردم
بفهمند که بدون راهنمایی
خدا نمیتونن راه خوشبختی
رو پیدا کنن... تا وقتی که
همه بفهمند که چقدر بدون

یک راهنما حیران و سرگشته
اند...
تا زمانی که خود آن مردم
تشنه حقیقت بشوند و در
به در به جستجوی صراط
مستقیم باشند، تا زمانی که
اگر آن شخص موعود باز
گردد آنقدر یار داشته باشد
که تنها نماند و کربلایی دیگر
برپا نشود!
یارانی خود ساخته که
ایمانشان محکم و پابرجا
است .
افرادی که حتی اگر



پایین فطرت

فاطمه کورکی نژاد

محقق میشود...
آری تنها چند قطعه اصلی
دیگر از این پازل مانده...
ما در بین الطلوعین
ظهوریم...
گام هایت را محکم تر بردار تو
هم برای آمدنش کمی تلاش
کن...
زندگیت را برای آمدنش
تنظیم کن...
او اگر تو را داشته باشد هرگز
پنهان نخواهد ماند می آید و
جهان را از ستم میرهاند...
تو هم برای آمدنش تلاش کن!

میگفت با ایمانی استوار برای
دفاع از حرم بانویی شیرین
ترین دارایشان را در راه خدا
بر کف گرفتند و رهسپار
شدند...
همان بانویی که روزگاری
کسی را نداشت تا به کمکش
کودکان یتیم کربلار آرام کند
و تن مکرر شده برادر را جمع
کند...
حال زمانی آمده برای خودش
هم نه برای حرمش جان می
دهند...
نشانه های یکی پس از دیگری

خداست...
همان اسلامی که برایش با
شجاعت مقابل گلوله ها
ایستادند و ایثار کردند گمان
می کردی چنین شود؟
چه می چرخد این چرخ
گردان...
روزگاری برای نشنیدن صدای
حق هلهله میکردند و زمانی
برای شنیدن صدای حق
جان فدا می کنند از انقلاب
اسلامی هم گذشت...
روزگاری فرارسید که جوانانی
با همان وصفی که پیامبر

پیامبرشان نباشد و امام شان
غائب باشد، باز هم دغدغه
دین داشته باشند آن را طلب
کنند برایش قیام کنند جان
بدهند...
روزگاران درازی گذشت تا
اینکه ملتی برای دین خدا
به خواستند... حاکمشان
را پایین کشیدند و فقیه را
حاکم کردند... خواستند
تا جمهوریتشان اسلامی
باشد...
همان اسلامی که دین
برگزیده و پسندیده



نوعی اختلال روانی است که فرد پس از دچار شدن به این بیماری ترس لال شدن پیدا می‌کند و به همین دلیل جهت اثبات لال نبودنش، لحظه ای ساکت نمی‌ماند تا مبادا ترسی که در وجودش نهادینه شده به واقعیت پیوندد.

اغلب در چنین مواردی مغز قدرت فرماندهی تکلم را از دست داده و ممکن است هر سخن سنجیده و نسنجیده ای را به زبان آورد، که متأسفانه این بیماری به موازات معروف شدن به وجود می‌آید به این صورت که ابتدا فرد به دلیل ترس از دست دادن این معروفیت دچار این اختلال روانی شده و به مرور بر شدت آن افزوده می‌شود. طبق گزارشی تعداد زیادی

از سلبریتی های کشورمان دچار این اختلال گشته اند!

و این خبری بس ناگوار و ناراحت کننده می باشد که هم اکنون هنرمند!! محبوب!! کشورمان سرکار خانم مهناز افشار در حاد ترین وضعیت ممکن، این بیماری را به سر می برد. هر چند باید با بیماران مدارا کرد اما به دلیل پیامدهای خطرناک ناشی از اقدامات این سلبریتی از قوه قضاییه خواستار محاکمه وی می باشیم. #مصطفی.قاسمی طلبه مظلوم همدانی که قربانی ریتوییت خبری کذب توسط مهناز افشار شد.

یا شاید هم قربانی ره آورد مضحک وزیر اطلاعات

شده...

امادر وصف مظلومیتش همین بس که سلبریتی هایی در مقابل کوچکترین اتفاق واکنش نشان می دهند در برابر شهادت این شهید بزرگوار سکوت کرده اند یا شاید هم خبر آن چنان مهم نیست آخر مگر چه شده؟! یک آخوند کشته شده؟ چیزی که زیاد است آخوند! اصلاً آخوند کمتر، زندگی بهتر!

مگر چه می شود چند فرزند دیگر یتیم شوند، با این حال که پدرشان عنوان شهید هم گرفته باشد!

دیگر نمی‌خواهد نگران مخارج زندگی شان باشند. زمین پس بنیاد شهید

اساسی حواسش به آنهاست و وضعیتشان کویت می‌شود و قرار است پول پارو کنند حال چه فرقی میکند پدر نباشد

اصلاً برای خودش هم اینگونه بهتر است؛ دیگر راحت شد.

قرار نیست اهانت اهالی محل و بازار و غیره را ببیند و لب از سخن بدوزد و سکوت پیشه کند و صبر بورزد.

قرار نیست با حقوق بخور و نمیری که دارد دست و پنجه نرم کند و برچسب دزد بودن به او بزنند.

حتی نمایان شدن کفش پاره ی او را نیز پس از مرگش ریا می دانند...

آری هر طور که حساب می‌کنم اینگونه بهتر شد...



سکانس کمالتر شکسته

هائیه اکبری

سکانس اول

قسم به عشق!
 و تو چه میدانی عشق
 چیست؟
 آن هنگام که خداوند
 روحش را در جسم بی جان
 آدمی دمید،
 و انسان جان گرفت
 با عشق جان گرفت
 و بین تمام انسان ها،
 آنان که محکم تر و صیقل
 خورده تر بودند عشق
 بیشتری نصیبشان شد،
 و شهید نام گرفتند!
 فرقی نمیکنند لات باشی
 یا مداح و یا حتی آقازاده و
 پولدار.

مجید لات بود!

نه از این لاتهای امروزی
 داش مشتبی بود
 رفقاییش می گفتند کارش
 قلیان کشیدن بود.
 روزی حتی ۱۵ قلیان می
 کشید،
 اما خریده شد.
 چشمه عشق درونش شروع
 به جوشیدن کرد
 توبه کرد
 سوریه رفت
 یک هفته بیشتر نگذشت
 که شهید شد
 شهید شد...
 آن هم در خان طومان

سکانس دوم

عروسیه ولی دلا پریشونه
 دوما دروون به میدونه
 نمیدونم چرا دلا هراسونه
 عروسیه سینه زنا آماده شین
 میخوایم بریم سوسن
 پاشی...
 پس از سه سال بی قراری
 های مادر و خون دل خوردن
 های پدرش
 بالاخره مجید برگشت؛
 برگشت امانه با خالکوبی
 هایی که به خاطرشان
 شرمندگی بی بی زینب بود.
 حال، مادر استخوان های
 تنها پسرش را به آغوش خاک
 می سپارد...



گاهنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی
سال دوم، شماره ششم
پهلو، خرداد ۱۳۹۴
اروند

سپهرکد

ادبیات

عالیه نگهداری

از جمله آثار وی میتوان به مصیبت نامه، مختارنامه، منطق الطیر، تذکره الاولیاء و الهی نامه را نام برد. شعر عطار در نگاه نخستین، گاه خواننده را می رماند؛ اما شکیبایی و قدری آمادگی روحی لازم است تا به درون این باغ راه پیدا کنیم. وقتی با شعر عطار انس گرفتیم، می بینیم که در آن سوی بعضی ناهماهنگی ها، چه منظومه منسجمی از احساس و اندیشه موج می زند.

روز ۲۵ فروردین در تقویم روز ملی عطار اعلام شده است. ای در میان جانم و جان از تویی خبر

از تو جهان پراست و جهان از تویی خبر

نقش تو در خیال و خیال از تویی نصیب

نام تو بر زبان و زبان از تویی خبر

چون پی برد به تودل و جانم که جاودان

در جان و در دلی، دل و جان از تویی خبر

از تو خبر به نام و نشان است خلق را

وانگه همه به نام و نشان از تویی خبر

شرح و بیان تو چه کنم زان که تا ابد

شرح از تو عاجز است و بیان از تویی خبر

جویندگان گوهر دریای کنه تو

در وادی یقین و گمان از تویی خبر

عطار اگر چه نعره ی عشق تومی زند

هستند جمله نعره زنان از تویی خبر

فریدالدین ابوحامد محمد عطار نیشابوری مشهور به شیخ عطار نیشابوری یکی از عارفان و شاعران ایرانی بلند نام ادبیات فارسی در پایان سده ی ششم و آغاز سده ی هفتم است که در نیشابور چشم به جهان گشود و به هنگام حمله مغول به قتل رسید.

او داروسازی و داروشناسی را از پدرش آموخت و در عرفان مرید شیخ و یا سلسله ی خاصی از مشایخ تصوف نبود و به کار عطاری و درمان بیماران میپرداخت. وی علاقه ای به مدرسه و خانقاه نشان نمی داد و می خواست راه عرفان را از داروخانه پیدا کند.

زندگی او به تنظیم اشعار بسیاری گذشت آوازه شعر او در روزگار حیاتش از نیشابور و خراسان گذشته و به نواحی غربی ایران رسیده بود. اسنادی نیز در دست هست که نشان میدهد حلقه درس های عرفانی وی بسیار گرم و پر شور بوده است و بسیاری از بزرگان در این جلسات حاضر میشده اند.

عطار همواره مورد احترام شاعران دیگر بوده از جمله مولانا که بیت زیر را سروده است؛

من آن مولای رومی ام که از کِلِکَم شکر ریزد

ولیکن در سخن گفتن غلام شیخ عطارم

در دوران معاصر، شیعیان با اسناد به برخی شعرهایش بر این باورند که وی دوستدار اهل بیت بوده است.



مهمانی خدا

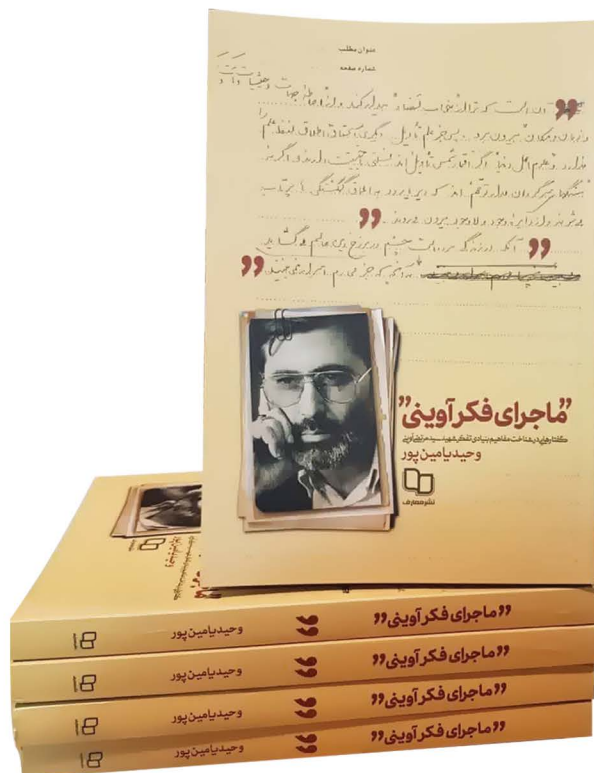
طاہرہ طالبی

که باید به خونه صاحبخونه برسه...
از در خونه که بیرون میاد، انتهای کوچه رو بهتر میبینی، انگار سوی چشماش بهتر شده، حالا دیگه قدماشو هم محکمتر برمیداره، میره، میره، میره... تا بالاخره میرسه به خونه ای که مد نظرش بوده دست میبره جلو که در بزنه، یعدفعه یکی دروباز میکنه و میگه: اومدی بنده من!!!!
نمیدونی چقد منتظرت بودم!!! خوش اومدی، خسته راهی، حالا دیگه باید من بهت برسم، حالا دیگه خودم آرامشت میشم، آغوشمو باز میکنم تا خودتو توش جابدی... بیایا... بیایا... بیایا!!! بنده من...!!!!

فرشته هایه که از بالای این خونه رد میشن، مکه اینجا چه خبره؟
جلوتر میره...
یه عده رو مشغول عزاداری میبینی...
حالا یادش اومد شهادت مولا شه، یه عمر دم از مولا میزد، حالا چی؟؟ هیچی!! یادش رفته برا مولاش عزا بگیره...
خودشو بین جمعیت جا میکنه، گریه میکنه، زاری میکنه، تازه یادش میاد کی بوده، چی میخواست از زندگیش و حالا چی شده!! خودشو خالی میکنه، خیالشو راحت میکنه...
خلاصه سبک میشه، مردم کم کم دارن میرن، مجبور میشه بره؛ یادش میاد

یکی از کوچه بغلی صدا میزنه، تو که هنوز این کوچه رو طی نکردی!! آخرین کوچه صاحبخونه ات منتظرته...
قدم میداره تو اون کوچه، قدماشو آهسته برمیداره که مٹ کوچه قبلی یهوبه خودش نیاد ببینه ته کوچه اس و هنوز هیچ کاری نکرده...
اولین قدماش برایش یه کم سخته، ولی امیدیه که به دیدن صاحبخونه داره اونو محکم تو مسیر نگه میداره، یواش، یواش میره جلو، میرسه به یه خونه که سردشو با سیاه پوشوندن، هر چی میرسه اینجا چه خبره هیشکی جوابشو نمیده، مجبور میشه قدم بذاره تو خونه، چه بوی خوبی تو خونه میاد!! اگنوم بوی

بنده هر چقدرم که بد باشه باز یه روزنه امید برارفتن در خونه صاحبخونه داره...
درست مٹ بچه ای میمونه که بعد از هراشتباهی به آغوش مادرش پناه میبره، یه جای امن، اروم و راحت...
منم حکم همون بنده رو دارم، همون بچه که گشته و گشته، دوراشو زده، تفریحاشو کرده، خلاصه هر کاری میخواست کرده، حالا داره دنبال یه زمان مناسب میگردد که برگردد در خونه صاحبخونه اش...
اونقدر تو کوچه خیابونای خیالش سرگردونه، که یهو به خودش میاد میبینی به انتهای کوچه شعبان رسیده، به خودش میگه، این خیابونم که به خونه نرسید! پس چی می گفتن همه؟ یه دفعه



به وقت کتاب اسما تابان اصل

زمان آگاهی، خود آگاهی تاریخی و وقت شناسی امتیاز اهل حکمت و فضیلت از دیگرانی است که گرفتار عادات روزمره شده اند.

اهل حکمت و فضیلت به وقت که همان باطن زمان است وقوف پیدا میکنند و مختصات تاریخی و تمدنی خود و ماهیت حقیقی رخدادهای پیرامون خود را بهتر از هر کسی بازمی شناسند. آنگاه حکمت از زبان و قلم آنها می تراود و معلم دیگران می شوند.

سید مرتضی آوینی حکیم هنرمندی بود که بی شک مقام او مقام معلم است. معلم اندیشه ها و سلوک فکر و فرهنگی کسانی که در ساحت انقلاب اسلامی راه می پیمایند.

مخاطب اصلی درس گفتارهای مندرج در این کتاب جوانانی هستند که در آغاز راه مطالعات فرهنگی و تمدنی هستند و غالباً دغدغه‌ی این را دارند که فهم و تحلیل رخدادهای و تحولات سیاسی تاریخی و تمدنی را از چه نقطه‌ای باید آغاز کنند.

منظومه‌ی فکر آوینی چه در بعد تفکر انتقادی قدرتمندش و چه افق‌گشایی هوشمندانه اش از آینده همیشه یکی از بهترین پیشنهادها برای پویندگان این راه است.



نخستین همبار

رهبرانقلاب اسلامی

در این بیانیه فرمودند: «نخستین توصیه من امید و نگاه خوشبینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومییدی بی‌جا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر میدارم.

در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است.

خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه‌نشان‌دادن واقعیت‌ها، پنهان‌کردن جلوه‌های امید بخش، بزرگ‌کردن عیوب کوچک و کوچک‌نشان‌دادن و یا انکار محسنات بزرگ، برنامه‌ی همیشگی هزاران رسانه‌ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومییدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شماست.»

کاش دنبال حلول ماه مهمانی تو
درد هجران و غم فاصله درمان بشود

در میان رخصانی که پراز عطر علی است
ماه موعود به این قافله مهمان بشود

مریم عباسی